

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

نعمت الله مختارزاده
شهر اسن - المان
17 جنوری 2004

آرزو و ارمان

تشکر ای عزیزان دل و جان
درین غربتسری ملک المان
که با ما همونوا گردیده هریک
بسان غنچه ها بشگفته خندان
قدمهارنجه فرمودید امشب
به شادی ، در نهایت روح و ریحان
ز راه دور زحمت ها کشیده
به پاس خاطر این بینوایان
پسر از من تمنا ، اقتران کرد
به همراه یکی از دخت افغان
به چندین بار رفتم خواستگاری
بالاخر شاملم شد فضل یزدان
که تا لفظ و شرینی در حضور
شما بر ما نمایند لطف و احسان

همه شاهد ، نشانی روی میز است
که میگیریم به امید جهانبان
خدا و ندا به حق ذات پاکت
ز فضلّت ، هردو را خوشبخت گردان
یکی همچون گل و دیگر چو بلبل
همیشه شاد و خندان و غزلخوان
الهی آنچه می باشد رضایت
نصیب این حقیر زار گردان
که من چون ذره نابود و هیچم
تویی خالق ، تویی رحمان و منان
بسان مرغی بشکسته بالی
که تیری خورده از این و هم از آن
ندارم قدرت پرواز ، اما
چه سان پرانم اندر قهر طوفان
سپند حسرت در مجمر دهر
به یک سوز و گداز و خیز و جولان
گاهی در آتش هجران کبابم
شراب ناب ریزم از دو چشمان
گاهی با اخگر و با آذر جان
مفاصل آب و ، هست و بود ، سوزان
خلاصه ابتدا تبریک تقدیم
به این جفتی که گشته یک دل و جان
سپس بر خویش و فامیل و اقارب
ز « نعمت » صد هزاران و هزاران